

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

به ادامه گذشته:

سوقیات قوای نظامی به خاطر استرداد استقلال کشور :

دولت افغانستان نه تنها در جبهه سیاسی بلکه در جبهه نظامی نیز بریتانیا را تحت فشار قرار میداد و به آمادگی‌های نظامی را در پهلوی مساعی سیاسی آغاز نمود تا اگر تلاش‌های سیاسی کارگر نیفتد از طریق استعمال قوای نظامی و تحریکات قبایل، انگلیس را وادار سازد تا استقلال و آزادی خارجی افغانستان را به رسمیت بشناسد. بنا بر آن حکومت افغانستان در برج اپریل ۱۹۱۹م سوقیات نظامی را در سرحدات شرقی، جنوبی و جنوب شرقی کشور یعنی ننگرها، پکتیا و قندهار آغاز نمود که نسبت تفاوت بعد مسافت و خرابی خطوط مواصلاتی قوت‌های مذکور در جبهات سه‌گانه در اوقات مختلف مواصلت نمودند. اگر چه این سوقیات از جانب دولت به راه انداخته شده بود اما از تأیید قاطبه مردم اعم از نظامیان، روحانیون، اقوام و قبایل و کافه ملت افغانستان برخوردار بود.

این نکته قابل تذکر است که درجه اهمیت جبهات سه‌گانه مذکور از نظر موقعیت استراتژیکی متفاوت بود. بناء بر اهمیت که جبهه خیبر داشت قوماندهانی آن به سپه سالار صالح محمد خان وزیر حربیه تفویض شده بود. چون قوای افغانی نظر به کمی فاصله و برتری خطوط مواصلاتی زودتر به آن جبهه مواصلت نمودند. سپه سالار موصوف با در نظر داشت شور و شعف مردم قبایل بدون هم آهنگی با سایر جبهات و قبل از آمادگی مردم ولایت مشرقی امر تعرض صادر نمود. اگرچه قوای افغانی در بدو امر خط نام نهادد بپورند را عبور و ساحات چند از اراضی شرقی آنرا متصرف شدند اما بارسیدن قوای تازه دم انگلیس، پرواز طیارات بم افکن و

استعمال اسلحه پیشرفته، سپه سالار و یاور نظامی اش محمد گل خان مهمند نه تنها اراضی متصرفه را حفظ کرده نتوانستند، بلکه انگلیس‌ها به استقامت دکه پایگاه افغانی پیشروی و آنرا اشغال نمودند. صالح محمد خان در اثر برداشتن جرح خفیف با یاور خود جبهه جنگ را ترک و امر عقب نشینی صادر نمود. اما به زودی بافرستادن قوای جدید و افسران مجرب افغانی از مرکز، جبهه خیرد و باره مستحکم شد که در نتیجه مانع پیشروی قوای بریتانوی به صوب جلال آباد گردید. هنوز مجاهدین ولایت مشرقی که تعدادشان به هزاران تن میرسید به جبهه جنگ نرسیده بود که در سوم جون ۱۹۱۹م متارکه بین دولتین اعلان شد. اما وضع جنگ در جبهه پکتیا تا اندازه ای متفاوت بود، بدین معنی که سهمگیری اقوام و قبایل مسلح و آماده نبرد، عدم تمرکز قوای بزرگ بریتانوی در آن سوی سرحد و حتی عدم تجدید سوقیات از جانب آنها، حضور شخصیت‌های معروف روحانی مانند شمس المشایخ، نورالمشایخ و آخندزاده صاحب موسهی حاجی عبدالرزاق خان، اشتراک مشاهیر و رهبران اقوام وزیر، مسعود، منگل، جاجی، تنی، جدران (۲۸) و غیره جبهه جنوبی را مستحکم و مقاوم ساخته بود. عوامل فوق‌الذکر سبب شد تا قوت‌های افغانی در این جبهه بادست باز جنگیده نه تنها در وضع تعرضی قرار بگیرند بلکه بدون مواجه شدن با موانع بزرگ پیشرفت نمایند. بناءً در اثر رشادت و فداکاری قوای منظم دولتی ظاهراً به سرکردگی سپه سالار محمد نادرخان و مساعی همه جانبه قوت‌های اقوام و قبایل، مبارزین خط سرحدی «دیورند» را عبور نمودند، اما با ورود عساکر تازه دم بریتانیا تحت قیادت جنرال «دایر» قبل از آنکه درگیری رخ دهد با گرفتن امر آتش بس عساکر طرفین ده میل از خط سرحدی عقب نشینی کردند.

این نکته شایان توجه است که جبهه پکتیا نسبت عدم موجودیت راه‌های مواصلاتی و مشکلات اراضی نزد انگلیس‌ها در جمله جبهات فرعی و کم‌اهمیت به شمار میرفت، در حالیکه برای افغان‌ها این جبهه از حساسیت بیشتر برخوردار بود، بناء بر همین ملحوظ فشارهای نظامی و تبلیغات قابل توجه را به آن جبهه متمرکز نمودند.

محمد نادرخان با در نظر داشت تمام عوامل فوق‌الذکر، طور خیلی آگاهانه قومندانی آن جبهه را داوطلبانه به عهده گرفته بود که در نتیجه القاب «فاتح»، «غازی» و بعدها «محصل استقلال» را از همین جبهه کمایی نمود و گذشته از آن در کتیبه منار استقلال به جای صدها قهرمان فداکار و شهیدان بی نام و نشان این پیکار آزادی بخش ملی، به ناحق تنها همین يك نام نادرخان را ذکر کردند. (۲۹)

به قول سردار محمد رحیم خان نواسه امیر عبدالرحمان خان که او هم به استناد از مقاله «متوند» مندرجه مجله «جمهوریت غز» شماره ۳۱ سال دوم مؤرخه ۲۲ اگست ۱۹۵۲م صفحه ۱۸-۲۰ مینویسد:

«پروزی نادرخان از برکت یاری و مساعدت انگلیس‌ها و برپایه پلان قبلی طرح شده به دست آمده.» (۳۰)

قرار اظهار سردار موصوف «متوند» برای اثبات ادعای خود از نامه محمد نادرخان (مورخ ۳۰ می سال ۱۹۱۹م برابر به شعبان ۱۳۳۷ هق) برای شاه ولی خان برادر خود که به شرح آتی نوشته شده است استمداد میجوید:

«من به مقیت (موفقیت) کامل دست یافته‌ام و شما یان با آرا مش‌خاطر کار خود را بکنید. طبق اطلاعاتی که در دست است عساکر انگلیس به جنگ نمی‌پردازد و داوطلبانه از مواضع خود عقب نشینی مینماید، وقت را از دست ندهید، از موقع استفاده کنید و به سوی «وانه» به پیشروی پردازید، هیچ‌گونه مقامتی علیه

شما نخواهد بود، به من اطمینان قطعی داده شده است، به هوشیاری و ذیرکی شما باور دارم هیچکس نباید از موضع (موضوع) اطلاع یابد و بفهمد که شما برانجا و من در این جا کامیاب میشویم.»

قوت های نظامی تحت فرماندانی سردار عبدالقدوس خان اعتماد-الدوله نسبت بعد مسافه در اواخر ماه می بولایت قندهار رسیدند، اما نسبت حساسیت جبهه قبل از رسیدن اردوی افغانی، انگلیس ها پیش قدمی نموده در ماه می بر قلعه جدید سپین بولدک (پایگاه نظامی افغانی) که تحت امر داور شاه خان کندک مشر و محمد یوسف خان بود، تعرض نمود. قلعه مذکور را تصرف و تعدادی از محافظین آنرا کشته و یا مجروح و عده ای را اسیر نمودند. (۳۱) در این وقت سردار عبدالقدوس خان با اردوی معیتی خود و عده کثیر داوطلبان جهاد در راه موصلت به قندهار بودند که با شنیدن خبر سقوط قلعه جدید خود را به شهر قندهار رسانیده خوشدل خان لوی ناب والی آن ولایت را معزول و خود در حالیکه کفن به تن داشت اعلان جهاد نمود و هزاران نفر از شهر و اطراف قندهار به دور او جمع شدند. (۳۲)

اعتمادالدوله با سپاه منظم و هزاران نفر مجاهد به استقامت جبهه شتافت، اما تا رسیدن اردوی افغانی به سرحد، انگلیس ها اراضی اشغال شده افغانی را تخلیه و در مواضع قبلی خود در «چمن» داخل سنگر ها شده بودند. قوت های افغانی خط دیورند را عبور و تا یک و نیم میل به عمق اراضی دشمن پیشروی نمودند. هنوز جنگ سرنوشت ساز بین طرفین متخاصم شروع نشده بود که متارکه بین دولتین امضاء شد که طبق مفاد آن قشون افغانی نه تنها مواضع خود را با ید تخلیه میکردند بلکه میبایست بیست میل از سرحد عقب نشینی مینمودند.

به هر حال اگر وضع عمومی جنگ در جبهات مختلف ارزیابی گردد، هر دو طرف درگیر جنگ گاهی پیشروی و زمانی عقب نشینی داشتند، چنانچه «لودویک آدمک» در اثر خود «تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمان تا استقلال» جنگ افغان-انگلیس را چنین بررسی مینماید:

«در جنگ سوم افغان، بریتانیا پیروز نگردد. هر دو طرف اراضی یکدیگر را اشغال کرده بودند و بیکار فیصله کن صورت نگرفت و هیچ یک از دو طرف به صورت مشخص شکست نخورد لیکن این جنگ به تسلط و اقتدار بریتانیا در افغانستان خاتمه داد و افغان ها حق دارند که در این جنگ خود را پیروز اعلان نمایند ولو اینکه در نهایت این پیروزی را در ساحه دیپلوماسی به دست آوردند تا اینکه آنرا در میدان جنگ کما می کرده باشند.»

یک نکته قابل درک است که دولت انگلیس با وجود برتریت سازوبرگ نظامی و علی رغم پیشروی موقتی اش در بعضی شهرک های کوچک سرحدی افغانی، با درک شرایط عینی و انکشافات اوضاع در منطقه و جهان ادامه جنگ و خصومت با دولت نو تأسیس افغانستان را به نفع خود تشخیص نمیداد، زیرا این قابل فهم بود که جنبش های مردمی روز تا روز در داخل افغانستان اوج میگرفت، آوازه جهاد در سراسر کشور به گوش میرسید، جبهات جدید علیه انگلیس ها گشوده میشد، وضع شهر پشاور با وجود اعلان حالت اضطراری متشنج بود، مردم چترال برای حصول آزادی بپا خاسته بودند، ناآرامی ها و جنبش های آزاد یخواهی در داخل نیم قاره هند طور پیوسته رو به گسترش بود، بریتانیا فقط یک سال قبل در جمله متفقین از جنگ جهانی اول به صورت فاتح بدآمده بود که تا هنوز ضعف و خستگی آنرا احساس مینمود. روی هم رفته همه اینها در مجموع دولت انگلیس را در یک موقف ضعیف قرار میداد. فلذا آنکشور از نظر سیاسی، اقتصادی و سایکولوژی در وضعی قرار نداشت که ادامه جنگ با افغانستان را به نفع خود بداند. بناءً متارکه را برمنزاعه

ترجیح داد. انگلیس ها غرض رسیدن به مذاکره و توافق با جانب افغانی، سردار عبدالرحمان خان سفیر افغانی مقیم هند را با پیامی (اما طور غیر رسمی) نزد مقامات افغانی فرستاد و همچنان حافظ سیف الله واقعه نگار هندی مقیم کابل که تا آنوقت در کابل نظر بند بود، اجازه بازگشت به هند بریتانوی دریافت نمود و بعد از ملاقات سفراء در جلال آباد به مقامات بریتانوی اطلاع داده شد که دولت افغانستان برای مذاکره و صلح آماده می باشد و ضمناً برای سفراء هدایت داده شد که در این مورد با قومندانان قوای بریتانیا در «دکه» نیز مذاکره نمایند. (۳۳)

با مرور پاراگراف فوق الذکر سوالات متعدد به این ارتباط در ذهن خطور میکند از قبیل: متن پیام انگلیس ها به مقامات افغانی چه بود؟ اعلیحضرت امان الله خان به سفیرش چگونه هدایت داد؟ و نوع توافق سفراء در جلال آباد از چه قرار بود؟ این موضوعات و ده ها سؤال دیگر هنوز مکتوم است و یا ما نسبت قلت مأخذ به آن دسترسی نداریم.

نکته در خور توجه اینست که در سومین نبرد افغانها علیه انگلیس مذاکره و متارکه اصلاً از جانب انگلیس ها پیشنهاد شد که متاسفانه بدون تحلیل شرایط عینی و اوضاع حاکم در منطقه طور عاجل از جانب دولت افغانستان پذیرفته شد. اگرچه افغانستان به هدف نهایی که استرداد استقلال کشور بود رسید، اما از آنجاییکه جانب افغانی در این معرکه دست بالا داشت و از موقف بهتر برخوردار بود و میتوانست در تحت آن شرایط امتیازات خیلی بیشتر به دست آورد که نیارود ویا نتوانست. مثلاً طرف افغانستان قادر بود در پهلوی تصدیق استقلال خارجی از جانب انگلیس، استرداد اراضی شرقی و جنوبی خط نام نهاد «دیورند» ۱۸۹۳ م را که از پیکر اصلی افغانستان جدا ساخته شده بود، مطالبه نماید و سرحد کشور را در حدود طبیعی آن تثبیت کند و معضله دوامدار افغانستان با هند بریتانوی و بعداً با کشورنو تأسیس پاکستان را برای همیشه حل و فصل و از اثرات ناگوار آن که تا امروز دامنگیر ملت ما است و هر آن صلح و ثبات را در این منطقه جهان تهدید میکند جلوگیری نماید که متاسفانه چنین نشد و امروز این ناحیه در تشکیلات اداری پاکستان منحل یا لتی به نام صوبه سرحد مسمی است که از طرف جنرال های پاکستانی به مرکز قاقا ق مواد مخدر و تروریزم تبدیل شده و جانب پاکستان باز هم از بی امنی و بی ثباتی آن سود می برد. در آخرین تحلیل باید گفت که با وجود تمام افتخاراتیکه از نبرد استقلال نصیب طرف افغانی گردید، آن اشتباه تاریخی فوق الذکر میتواند در فهرست اشتباهات دولت امانی اضافه گردد.

ادامه دارد

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

Dr. Ajruddin Hashmat

97 Forest Heights Str.

Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada

Tel (905) 665-8767